

بقعه‌ی مبارکه‌ی شاهزاده محمد در نهاوند

(۱)

کار مشترکی از حسین «امیر» سیف و یدالله شهبازی



اشاره :

معرفی بقاع متبرکه‌ی شهرستان نهاوند یکی از اهداف این مؤسسه‌ی فرهنگی است. پیش از این امامزاده ابراهیم واقع در روستای دره ابراهیم معرفی گردید (فرهنگان ۱۹، صفحات ۱۶۰-۱۵۴). در این شماره نیز بقعه‌ی مبارکه‌ی حضرت شاهزاده محمد معرفی می‌شود و برای معرفی سایر زیارتگاه‌ها و حرم‌های مطهر این شهرستان در انتظار مقالات صاحب‌نظران هستیم.

آن‌چه در این شماره می‌خوانید در پنج بخش، به ترتیب زیر از نظرتان می‌گذرد:

- ۱- بقعه‌ی مبارکه‌ی شاهزاده محمد در نهاوند، که کار مشترکی از آقایان حسین «امیر» سیف، کارمند بانک سپه نهاوند و یدالله شهبازی، دبیر آموزش و پرورش نهاوند است. مؤلفان محترم این مقاله را به یاد عزیز گران‌قدر مرحوم دکتر عبدالله شهبازی پزشک مردمی و پژوهشگر نمونه، رقم زده‌اند. با تشکر از مؤلفان و بزرگ‌داشت آن سفر کرده.
- ۲- ناگفته‌هایی از پیشینه‌ی بقعه‌ی مبارکه، در این بخش آقای مهدی رضی متصدی سابق امامزاده خاطرات ارزشمندی را بیان داشته‌اند.
- ۳- شاهزاده محمد و اداره‌ی اوقاف نهاوند، گزارش مشترکی است از آقایان فرهنگ حیدری و ذبیح‌الله سیفی درباره‌ی فعالیت‌های اداره‌ی اوقاف نهاوند.
- ۴- ماجرای ضریح جدید بقعه‌ی مبارکه، در این بخش مطالبی از آقای کرم‌خدا غلامی ذاکری عضو هیئت امنای فعلی شاهزاده محمد به اطلاع خوانندگان می‌رسد.

۵- یادی از مرحوم غلامعلی بحیرایی مهندس فنی بقعه‌ی مبارکه بی‌شک درباره‌ی شاهزاده محمد گفتنی‌ها بسیار است و آنچه در این شماره‌ی فرهنگیان آمده جزئی از کل است. امیدواریم اشخاص مطلع، پژوهشگران و هم‌چنین کارشناسان سازمان میراث فرهنگی و سازمان اوقاف و امور خیریه‌ی استان همدان و شهرستان نهاوند گام‌های اساسی و بلندتر را در ادامه‌ی این گام نخستین بردارند و حقایق فراموش شده و ناگفته‌های چندقرنه‌ی مربوط به این حرم مطهر را با اسناد و منابع تاریخی قلمی کنند و به اطلاع همشهریان و علاقه‌مندان برسانند. این فصل‌نامه از چنین مطالب روشنگرانه‌ای برای درج در شماره‌های بعدی «فرهنگیان»، استقبال می‌کند.

«فرهنگیان»

در عُرف و فرهنگ تشیع مراد از «امام‌زاده» فرزند یا فرزندزاده‌ی ائمه‌ی اطهار (ع) است و اصطلاحاً به مدفن و مزار متبرک هر یک از این شخصیت‌ها و بزرگان سادات، که در جای‌جای شهرها و روستاهای کشورمان روی در نقاب خاک کشیده‌اند، اطلاق می‌گردد امام‌زادگان همواره نزد شیعیان از قداست و احترام خاصی برخوردارند و پناهگاه و ملجأ دوستداران اهل بیت عصمت و طهارت بوده‌اند.

به جاست قبل از ورود به موضوع گزارش، به این سؤال مقدر که احتمالاً ذهن بسیاری را به خود مشغول کرده است، یعنی سبب مهاجرت امام‌زادگان به ایران و پراکندگی قبور و بقاع آنان در شهرها و روستاهای کشور، به نقل از «دایرة المعارف تشیع» پاسخ دهیم:

«علت عزیمت و مهاجرت سادات حسنی و حسینی به نقاط امن سرزمین‌های شرقی اسلامی که از همان صدر اسلام در حکومت جابرانه‌ی امویان، خاصه در عهد حجاج بن یوسفِ خونخوار و تسلط او بر عراقین [عراق عرب و عراق عجم] از سوی امویان که بیدادگری‌ها و سفاکی‌ها نسبت به فرزندان علی (ع) روامی دانسته، رقم می‌خورد و از نظر کلی مهاجرت این بزرگواران را می‌توان به ادوار چهارگانه تقسیم نمود.

گروه اول: آن دسته هستند که برای فرار از بیدادگری‌ها و ستم‌های امویان و بالخصوص حجاج راه مشرق را در پیش گرفتند.

گروه دوم: آن دسته از سادات علوی‌ای هستند که به سبب ولایت عهدی و حکومت حضرت امام رضا (ع) روی بدین طرف (ایران) نهادند و تعداد آنان در «تاریخ راویان اولیاءالله آملی» بیست و یک برادر بودند با چندین برادرزادگان و بنی‌اعمام از بنی‌حسن و بنی‌حسین (ع) و متأسفانه ورود آنان مصادف با شهادت حضرت رضای معصوم با انگور زهرآلود توسط مأمون بود و چون خبر در راه به سادات رسید، پناه به کوهستان مناطق مختلف برده، بعضی را همین جا شهید کردند و مزار ایشان باقی است و بعضی [ایران را] وطن ساخته، همین جا ماندند (سال ۲۰۳ هجری قمری).

گروه سوم: آن‌ها هستند که در خروج برخی از فرزندان علی (ع) بر خلفای عباسی و اموی شرکت داشتند و پس از شکست، آنان بدین حدود و دیار گریختند.

گروه چهارم: که نسبت به سه گروه دیگر فزونی داشتند، آن دسته هستند که در زمان حکومت علویان در مازندران روی به دیار ایشان نهادند.

این چهار گروه چون به نواحی بالنسبه امن ایران، مانند نقاط کوهستانی و ری و ... می‌رسیدند، رفته رفته با مردم این بلاد در می‌آمیختند و به تدریج صورت بومیان محل به خود می‌گرفتند و سادات عصرِ مقیم در نقاط مختلف کشور، اعقاب آن بزرگواران‌اند. از طرفی پراکندگی سادات در تمام نقاط این پهنه یک‌سان نبود. به جاهایی که احساس امنیت بیش‌تری می‌کردند، تعداد زیادتری روی می‌آوردند، همانند کوهستان ری و طبرستان. با این حال بعضی از ایشان گرفتار مخالفان می‌شدند و به شهادت می‌رسیدند و امروز مراقد اکابر این بزرگواران باقی و مزار و مطاف است.^۱

نسب شاهزاده محمد و امام زاده علی:

هر چند در این مکان امام‌زاده محمد و برادرش امام زاده علی، هر دو مدفون‌اند، اما «بقعه‌ی مبارکه» بیش‌تر به نام برادر بزرگ‌تر، امام‌زاده محمد، معروف است. ضمن این‌که عامه‌ی مردم نهاوند از آن بزرگوار به نام «شاهزاده محمد» یاد می‌کنند (با تلفظ محلی شازه محمد).

محل بقعه‌ی مبارکه با مختصات عرض جغرافیایی ۱۱ دقیقه و ۳۴ درجه، طول جغرافیایی ۲۲ دقیقه و ۴۸ درجه و ۱۶۹۰ متر ارتفاع از سطح دریا در ضلع خاوری میدان قیصریه^۲ قرار دارد^۳ و یکی از مکان‌های تاریخی نهاوند محسوب می‌شود. این دو

۱- دایرة المعارف تشیع، ج ۱، ذیل امام زاده

۲- قیصریه از نظر لغوی راستا بازار بزرگ است، «لغت‌نامه‌ی علامه دهخدا».

۳- فرهنگ آبادی‌ها و مکان‌های مذهبی کشور، انتشارات آستان قدس، ذیل نهاوند

امامزاده که ما نیز در این تحقیق از آنان به «امامزاده محمد» یا «شاهزاده محمد» نام می‌بریم، از اعقاب حضرت امام موسی کاظم (ع) اند.

ارتباط و انتساب این دو برادر به امام هفتم شیعیان، در منابع رجال و انساب معتبر عربی و فارسی، که مورد مراجعه و استفاده‌ی ما در این گزارش است و بعضاً در قرن پنجم (۴۳۵ قمری) تألیف شده‌اند، مورد اشاره و تأکید قرار گرفته است.

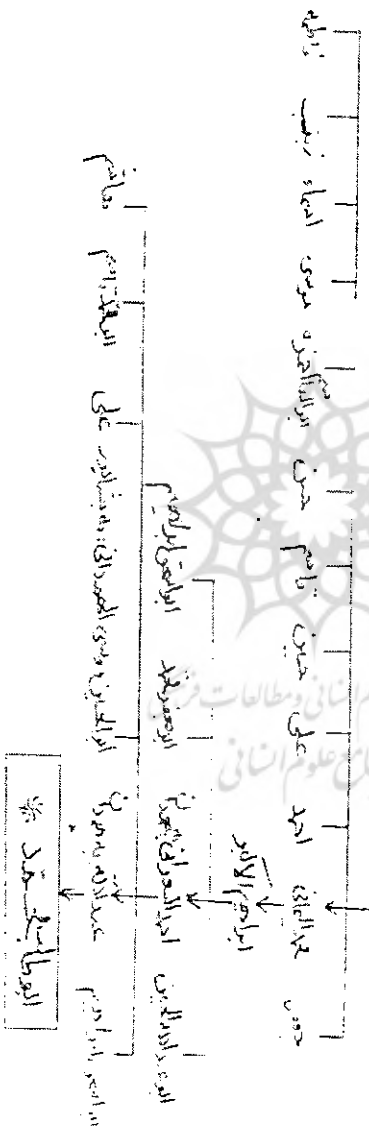
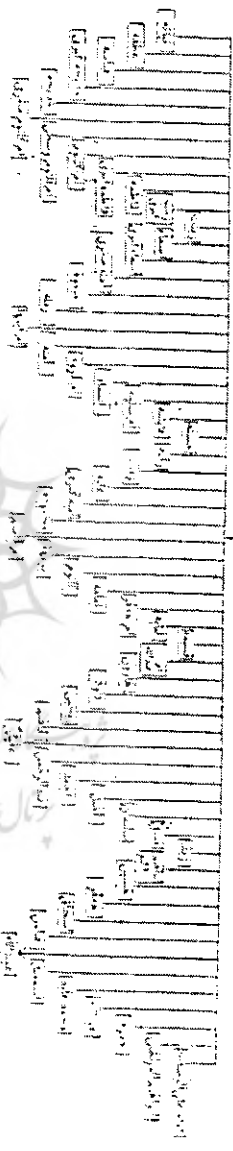
از آن جمله منابع عربی می‌توان به «تهذیب الانساب»، ص ۱۵۹، «عمدة الطالب» ص ۲۲۵، «شجرة المباركة»، ص ۱۰۵، «منتقلة الطالبيه»، ص ۳۴۸ و از منابع فارسی به «بنیان رفیع در شرح احوال خواجه ربیع» اثر آیت‌الله شیخ علی اکبر نهاوندی، ص ۳۱۹، اشاره کرد.

در این منابع عربی، نسب شاهزاده محمد و به تبع وی، برادرش امام زاده علی، با پنج واسطه به امام موسی کاظم (ع)، به این شرح، می‌رسد:

«ابوطالب محمد بن عبدالله بن احمد الشعرائی بن ابراهیم اکبر بن محمد الیمانی بن عبیدالله بن موسی کاظم (ع)».

تجره طیبیه امامزاده گلدره برهناوند

امام موسی اکاظم علیه السلام



با عنایت به این شجره‌نامه، گنیه‌ی امام زاده محمد «ابوطالب»، نام پدرش «امام زاده عبدالله» و جدّ وی «احمد شعرانی» است. مدفن پدر شاهزاده محمد، معروف به «امام زاده عبدالله» در همدان قرار دارد و یکی از زیارتگاه‌های عمده‌ی این شهر است. جدّ وی «احمد شعرانی» نیز، که در راه سفر مکه به دست قرامطه (قرمطیان) - شاخه‌ای از فرقه‌ی اسماعیلیه - به شهادت می‌رسد جسدش به همدان حمل می‌شود و در همان شهر مدفون است.

کتاب «تهذیب الانساب» بر این موضوع که «امام زاده محمد» و برادرش «علی» از نسل و فرزندان امام موسی کاظم‌اند و بنی اعمام آنان بیش‌تر در همدان بوده‌اند، تأکید دارد و به حُسن اشتها و کرامات «امام زاده محمد» اشاره می‌نماید.

بقعه و بارگاه شاهزاده محمد :

از چگونگی بقعه و بارگاه شاهزاده محمد، در ادوار تاریخی قبل از دوره‌ی قاجاریه، اطلاع دقیقی در دست نیست و منابع و مراجع موجود در این خصوص هیچ‌گونه اشاره‌ای ندارند. بنابراین اطلاعات موجود ما در این مورد به دوره‌ی قاجاریه تا زمان حاضر منحصر می‌شود و امیدواریم پژوهشگران تاریخ قدیم و جدید این منطقه و این شهرستان با یافته‌های مستند خود این اطلاعات را تکمیل نمایند.

بقعه‌ی اولیه‌ی امام زاده، قبل از بنای جدید، به صورت چهار ضلعی با گنبد موسوم به «عرق‌چین»، در عصر قاجار ساخته شده بود. جنس بقعه از «خشت» و دیوارهایش نیز با ترکیبی از «خشت و آجر» بوده است. در ضلع غربی امام زاده، جایی که امروزه به

صورت مسجد در آمده، اتاقکی بوده که از آن به عنوان محلی برای به امانت نگه داشتن امواتی که می‌خواستند به عتبات عالیه حمل نمایند استفاده می‌شده است.^۱ مدتی نیز در این مکان نماز جماعت بر پا می‌شد.^۲

این بقعه دارای صحن حیاط کوچکی با چند قبر، یک درخت کهن سال توت و سردابی زیرزمینی نیز بود. آب این سرداب از قنات معروف «قیصریه» تأمین می‌گردید. تا این که در دهه‌ی پنجاه، شهرداری وقت استفاده از آب قیصریه را در سطح شهر به دلیل آلوده بودن آن متوقف کرد. در نتیجه سرداب امامزاده نیز بی‌استفاده ماند و از آن‌جایی که هیئت امنای وقت امامزاده برای هزینه‌های تعمیرات و امور ساختمانی بقعه، به دنبال تأمین منابع مالی بودند، این بخش از صحن حیاط را برای قبرهای اختصاصی، به ازای مبالغ بالنسبه کلان، به متقاضیان واگذار کردند.

بر روی مزار «شاهزاده محمد و برادرش» یک صندوق مکعب مربع چوبی، منبت کاری و حکاکی شده وجود داشت. این صندوق از لحاظ هنری و قدمت بسیار نفیس و ارزشمند بود. چهار طرف صندوق با اشکال هندسی چند ضلعی کنده کاری شده بود. رنگ صندوق قهوه‌ای روشن و کهربایی بود. ارتفاع آن دو متر و قسمت (ضلع)

۱- سابقاً جنازه‌ی بعضی شخصیت‌های روحانی و غیر روحانی در نهاوند و سایر نقاط ایران، بنابر وصیت خود یا تصمیم بستگان به عتبات عالیات منتقل و عمدتاً در نجف یا کربلا مدفون می‌شد. بعدها به سبب تنش‌های سیاسی بین ایران و عراق (در دهه‌ی چهل) این کار غیر ممکن و ممنوع شد. (فرهنگان)

۲- امام جماعت مسجد امامزاده در آن سال‌ها (دهه‌ی چهل) حاج احمد حمیت معروف به حاج احمد حبیبه‌فروش بود، مردی وارسته و مورد وثوق مردم نهاوند در دهه‌ی پنجاه امامت جماعت این مسجد به حاج شیخ جلیل بحیرایی واگذار شد.

فوقانی آن مسطح بود. بعدها - در دهه‌ی چهل شمسی - به اهتمام برادران رضی (جعفر و مهدی رضی متولیان وقت امامزاده) قسمتی مخروطی شکل به ضلع فوقانی آن الحاق گردید.

بخش فوقانی صندوق از چهار طرف، مزین به هشت بیت شعر بود. این ابیات با خط بسیار زیبایی به شیوه‌ی نستعلیق و به صورت برجسته کتابت و حکاکی شده بود. در این ابیات نام واقف صندوق و هنرمند سازنده‌ی آن و هم‌چنین ماده تاریخ اتمام کار صندوق و نصب آن بر روی مزار امامزاده آمده بود، به این شرح:

در زمان دولت جم حشمت کسرا بقا	شه همایون آن که فرخسروی دادش خدا
گشت معمور این همایون بقعه‌ی جنت نشان	یافت تعمیر این [همایون] روضه‌ی عالی بنا

بقعه‌ی آن کاو شدش بال ملک جاروب در	روضه‌ی آن کس که باشد پادشاهانش گدا
هم محمد هم علی اولاد موسی جلیل	آن که باشد در دو عالم شیعیان را مقتدا

ساخت صندوقی برای مرقد این دو بزرگ	آن که باشد نیکوان و صالحان را پیشوا
نیک‌خو فرآش باشی آن که اندر راه حق	سعی‌ها دارد همیشه، می‌شتابد دایما

بود چون استاد این صندوق خوب استاد	باش راضی از وی ای داور، تو در هر دو سرا
زد رقم [را] از پی تاریخ اتمامش «حسن»	«بوسه‌زن در گرد این صندوق با صدق و صفا»

از ابیات فوق، که سروده‌ی ملا حسن نهاوندی یکی از علما و شعرای با ذوق نهاوند در قرن سیزده است،^۱ دریافت می‌شود اولاً واقف صندوق «فرآش باشی» است که به احتمال

۱ - درباره‌ی این شاعر رجوع شود به کتاب «سفینه‌ی المحمود» از محمود میرزا قاجار، ص ۲۴۲ - ۲۳۲ و به مجموعه مقالات شماره‌ی ۱، ص ۱۶۶ - ۱۶۴ مراجعه فرمایید.

قرین به یقین فرآش‌باشی «محمودمیرزا قاجار» و از رجال حکومتی نهاوند در عهد قاجاری است. ثانیاً سازنده‌ی آن نجار، حکاک، و مثبت‌کار هنرمندی به نام «استاد اسد» بوده، ثالثاً ساخت و تعمیر بقعه به شکل اولیه (قبل از بنای جدید فعلی) بر اساس ماده تاریخ (مصراع آخر) مذکور، سال ۱۲۴۳ هجری قمری [۱۲۰۶ ش] است که مصادف با سلطنت فتحعلی شاه قاجار در ایران و حکمرانی فرزندش «محمودمیرزا» در ایالات ثلاث (شامل نهاوند، تویسرکان و ملایر) - عمدتاً در نهاوند - است.

این بقعه قبل از این (۱۲۴۳ قمری) نیز تعمیراتی داشته است. اطلاع ما از پیشینه‌ی این ساخت و ساز و تعمیر بقعه به سنگ نوشته‌ی کوچکی بر می‌گردد که هنگام تخریب ساختمان قدیمی امامزاده به قصد ساخت و ساز بنای فعلی، در سال ۱۳۷۴ به طور تصادفی پیدا شد.

این سنگ نوشته به شکل پنج ضلعی و شبیه پیکان است. قسمت بالای آن به شکل عدد ۸ است، با چهار سانتی متر ضخامت و ابعاد ۱۷×۲۲ (۲۲ سانتی متر دو ضلع طولی و مساوی هم و ۱۷ سانتی متر قاعده و دو ضلع بالایی). نوشته‌ی این سنگ چهار سطر است و در آن از تعمیرات سردروازه‌ی امامزاده در سال ۱۲۰۵ قمری ۱۱۶۳ ش، به‌اهتمام شخص خیری به نام کربلایی محمد شفیع خبر می‌دهد. این تاریخ مصادف با ابتدای کار سلسله‌ی قاجاریه در ایران است.

متن سطور این سنگ نوشته عیناً به این قرار است:

سنه ۱۲۰۵	سطر اول :
تاریخ تعمیرات سر دروازه‌ی امام زاده -	سطر دوم :
های واجب التعظیم از ید اقل خلق الله،	سطر سوم :
خادم آستان مبارکه، کربلایی محمد شفیع، به اتمام رسید.	سطر چهارم :

وضعیت جدید و فعلی بقعه :

مرمت و بسط و گسترش صحن و ساحت امامزاده در دهه‌های پنجاه و شصت شمسی، البته بدون تغییر بافت قدیمی آن، با ارشادات و توجهات مرحوم آیت‌الله علیم‌رادیان رحمة الله علیه و عاملین خیری هم‌چون مرحومان جعفر رضی، جعفر شهبازی (خبّاز)، رضا سمیع (کربلایی رضا حلوائیز از خادمین امامزاده)، سیدجواد مرتضوی و با مساعدت و کمک مرحوم سید ابوالقاسم فتاحیان، مرحوم حاج حسین مُعینی و مرحوم حاج غلام‌حسین نجّار و زنده‌یاد زحمتکش مرحوم سید روح‌الله موسوی‌زاده «آقا روح‌الله» بوده است. اوج این بهینه‌سازی‌ها و توسعه‌ی امامزاده قبل از تخریب کلی و ساخت بنای جدید آن، به دوره‌ی آقای مهدی رضی به عنوان خادم و سرپرست امور امام زاده تا پایان سال ۱۳۶۸ بر می‌گردد و بنا و معمار آن، معمار سنتی، استاد شکرالله عبداللهی بوده‌است.



نمایی از مرقد، قبل از بازسازی

در سال ۱۳۶۹ اداره‌ی بقعه‌ی «شاهزاده محمد» تحت نظارت اداره‌ی اوقاف به هیئت امنایی انتصابی از سوی آن اداره، واگذار می‌گردد و آقای کرم‌خدا غلامی ذاکری به عنوان سرپرست و تولیت برگزیده می‌شود.

اولین اقدام هیئت امنا و آقای ذاکری در سال ۱۳۷۰ سفارش ساخت یک ضریح فلزی مربع شکل، به جای ضریح چوبی قدیمی، به استادکار معروف اصفهانی حاج مصطفی روزگاریان به مبلغ چهل و چهار میلیون ریال بود. ساخت این ضریح در سال ۱۳۷۲ به اتمام رسید و در نیمه‌ی شعبان همان سال به نهند حمل شد. مردم در این روز، که سال روز ولادت امام‌زمان (عج) بود، در پی اعلام قبلی با تعطیل کردن کار و کسب خود به صورت پیاده و یا همراه کاروان‌هایی از وسائط نقلیه تا دو راهی بروجرد به استقبال ضریح رفتند.

مردم روستاهای مسیر با نثار قربانی در جلوی ضریح و کاروان همراه، ضمن نشان دادن ارادت قلبی خود به خاندان ائمه‌ی اطهار (ع)، شکوه این مراسم خالصانه و معنوی را برجسته‌تر و چشم‌گیرتر می‌ساختند. این مراسم در میدان قیصریه با سخنرانی امام جمعه‌ی محترم و با حضور فرماندار و مسئولین وقت و هیئت‌های حسینی شهر، به خصوص هیئت حسینی شهید حیدری و دوخواهران، به انجام رسید و ضریح در جای خود قرار گرفت.

در قسمت فوقانی این ضریح مقدار چهل مثقال پودر طلا به کار رفته و اشعاری مشتمل بر دوازده بیت بر بالای چهار جانب آن حک شده که سروده‌ی شاعر معاصر نهندی مرحوم حاج فیض‌الله حیدری است^۱، به این شرح:

۱- برای آگاهی از شرح حال مرحوم فیض‌الله حیدری به فرهنگان شماره‌ی ۱۴ مراجعه فرمایید.

شد دو تن نور فروزان دفن در این سرزمین شد نهاوند از وجود این دو تن رشک برین هر دو پور موسی الکاظم امام هفتمین صهر^۱ پیغمبر ولیّ حق، امام المتقین کودک و پیر وجوان، شاه و گدا شد خوشه چین تا زدید گرد غم از هر دل زار و حزین هر ملک پر می‌زند از آسمان سوی زمین تا دل و جان تو گردد چشمه‌ی ماء معین نصب گردید این ضریح از لطف هستی آفرین تا شود با هجرت پیغمبر اکرم قرین آفرین بر مردمان دین و قرآن مبین تا که اجر او رقم دارد کرام الکتابین

طالع بیدار بین کز لطف رب العالمین می‌دهد بر هر مشامی خاکشان بوی بهشت نام این هر دو برادر یک «محمد» دو، «علی» از سلیل مصطفی، از دودمان مرتضی خرمین بر فیض این دو را ز لطف کردگار باب امید خلایق آید این دارالشفای تا که رو بد از رواق و گنبد آنسان غبار شست و شوکن خاکشان را با دو چشم اشک بار سال شمسی در هزار و سیصد و هفتاد و سه^۲ بر هزار و چهارصد افزون کن و ده با چهار حنّدا بر صنعت صنعتگران این ضریح زد رقم این شعر را با چشم گریان «حیدری»

در سال ۱۳۷۴ هیئت امنا گام دوم خود را جهت اجرای طرح گسترش و توسعه‌ی بقعه با خریداری تعدادی از مغازه‌های اطراف امامزاده در داخل بازارچه‌ی مجاور (بازارچه‌ی قدیمی چهار سوق) برداشت و چون هیچ‌گونه اعتباری برای این کار از قبل در نظر گرفته نشده بود، کل هزینه‌ها از محل نذورات و کمک‌های مردمی پرداخت گردید. در این سال نهایتاً بافت و ساختمان قدیمی امامزاده به طور کلی تخریب شد و طی مراسم کلنگ زنی به دست امام‌جمعه‌ی محترم، اجرای طرح بنای فعلی امامزاده در مساحتی به وسعت ۷۲۰ متر مربع و با زیربنایی به وسعت حدود ۱۲۲۰ متر مربع در دو طبقه، شامل دارالشفای، دارالقرآن، مهمانسرا، مسجد، تأسیسات بهداشتی، گلدسته‌های سی و دو متری، آینه‌کاری ایوان صحن حیاط و آینه‌کاری گنبد امامزاده از درون، آغاز گردید.

۱- داماد

۲- ظاهراً در بیان تاریخ نصب ضریح سهو و تسامحی رخ داده است. به نظر می‌رسد سال ۱۳۷۲ که مقارن با ۱۴۱۴ قمری است صحیح باشد نه ۱۳۷۳.



مراسم کلنگ‌زنی با حضور حجت الاسلام‌مغیثی امام جمعه‌ی محترم نهاوند و سایر مسئولین و شخصیت‌ها

اکنون (سال ۸۴) متأسفانه، پس از گذشت ده سال، هنوز موارد بر شمرده اجرا و کامل نشده و تحقق نیافته‌اند. چرا؟ آیا علت نبود یک هیئت امنای واقعی و فعال است، یا نبود اعتبارات کافی و یا عدم پی‌گیری اداره‌ی اوقاف به صورت بایسته و در خور؟ به هر حال تا رفع نواقص و تکمیل ساختمان امامزاده راه‌درازی در پیش است.

خاطر نشان می‌گردد مرحوم مهندس غلام‌علی بحیرایی، که مهندس اداره‌ی مرکزی اوقاف بود^۱، مسئولیت اجرا و پیاده کردن نقشه‌ی بنای جدید را عهده‌دار بود و آقایان مهندس بهزادی، به عنوان مهندس ناظر شهرداری نهاوند و مهندس کیوانفر به عنوان مهندس مشاور، بر حسب اعتقادات قلبی خود به ائمه‌ی اطهار (ع) به صورت رایگان در اجرای طرح گسترش امامزاده همکاری و فعالیت داشتند.

بنای جدید و فعلی امامزاده با ۷۲ ستون اسکلت‌بندی شده و سقف آن با تیرچه و بلوک است. این بنا دارای گنبد مدور بزرگی خارجی با پوشش استیل است و ساخت‌وساز آن را استادکاران آملی به نام‌های علی و رضا عرب انجام داده‌اند. هم‌چنین هفت گنبد کاذب از داخل، به نیابت جد امامزاده محمد و علی، یعنی امام هفتم حضرت موسی‌بن جعفر (ع) در سقف بقعه طراحی گردیده است.

صحن حیاط امامزاده ۳۰۰ متر مربع و مفروش به سنگ گرانیت است. این صحن و صحن داخلی بقعه دارای تعداد ۲۰۰ قبر است. تعداد ۵۶ قبر آن متعلق به شهدای انقلاب و جنگ تحمیلی است و بقیه توسط متقاضیان پیش‌خرید و خریداری شده است. بنا بر اظهارات آقای احمد رضا شهبازی مدیر داخلی و عضو اسبق هیئت امنای امامزاده، تاکنون (تابستان ۸۴) مبلغ چهارصد و پنجاه میلیون تومان از محل نذور و کمک‌های مردمی برای ساخت و ساز بنای فعلی هزینه شده است.

۱ - شرح حال ایشان را در ادامه (بخش ۵) ملاحظه فرمایید.

بقعه و سازمان میراث فرهنگی



موقد مطهر قبل از بازسازی

تغییر و بازسازی کلی یک بنای چند قرنه‌ی مذهبی، از جمله بقعه‌ی مبارکه‌ی شاهزاده محمد، به عنوان یک اثر با ارزش فرهنگی، قطعاً به مطالعات اساسی و کارشناسانه‌ی سازمان میراث فرهنگی نیاز دارد. متأسفانه این سازمان زمانی از بازسازی‌ها مطلع می‌شود که بنای سابق آن تخریب شده است! و همین سؤال و انتقادی را در اذهان بسیاری از مردم به ویژه صاحب نظران فرهنگی و علاقه‌مندان به حفظ بناهای تاریخی برانگیخته است.

شک نیست که در روزگار ما حفظ و نگهداری نشانه‌ها، اشیاء، نوشته‌ها و خاصه بناها و ساختمان‌های تاریخی و به جا مانده از گذشتگان، امری بدیهی و یک ضرورت است و هر انسان و شهروند آگاهی، خویشتن را در این امر مسئول می‌داند. ضمن این که حفظ و مرمت این گونه بناها برای نهادهای مدنی و فرهنگی اعم از دولتی و غیر دولتی، در اولویت ویژه قرار دارد و هر ساله اعتبارات کلان و مبالغ معتابهی برای آن در نظر گرفته و هزینه می‌شود.

ویژگی‌ها و نشانه‌های ارزشمندی که این بناها از نظر تاریخی، فرهنگی، معماری، مردم‌شناسی، مذهبی و سایر دیدگاه‌های علمی دارند، برای پژوهشگران و محققان عرصه‌های متنوع و گوناگون «ایران‌شناسی» و هم‌چنین برای پژوهش‌های تاریخی و دینی و تحقیقات مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی، موضوع، زمینه، جایگاه و دست‌مایه‌های تحقیق بسیار ذی‌قیمت و مُغتنمی است. اصولاً مکان‌های مقدسی چون مساجد، زیارتگاه‌ها و امام‌زاده‌ها همواره در طول تاریخ کانون توجهات مردمی بوده و برای حفظ، تعمیر و مرمت آن‌ها همکاری صمیمی و صادقانه به عمل آمده است. هر مسلمانی در ایران چنین بناهایی را در باور خویش، محترم و مقدس دانسته است و می‌داند.

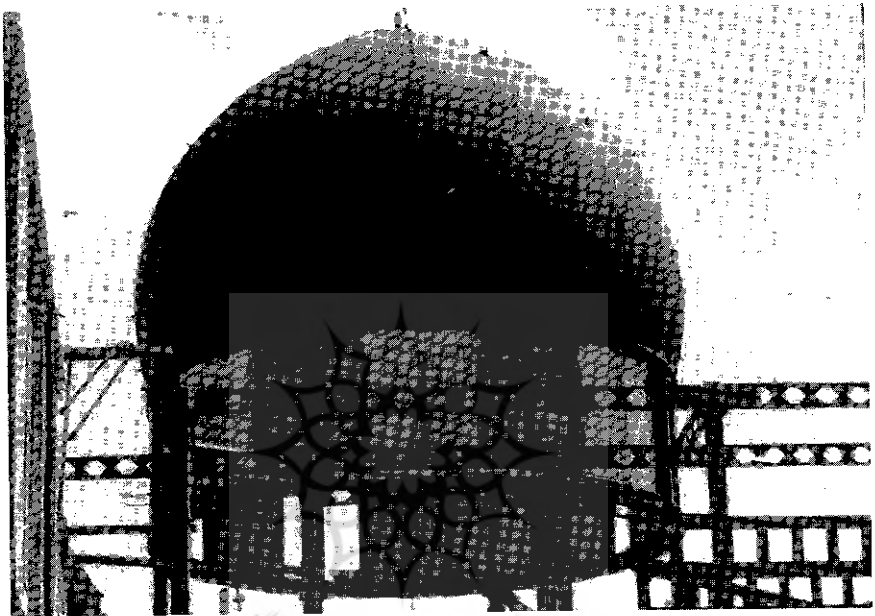
از این جهت مردم با هدف جلب رضایت حق تعالی و اجر اخروی تلاش کرده‌اند و بی‌هیچ چشم‌داشت و انگیزه‌ی مادی برای حراست و آبادانی آن‌ها، نه تنها دریغ و قصور نکرده‌اند، بلکه کوشیده‌اند شیوه‌های معماری و هنرهای رایج و مرسوم زمانه و قرن خود را در ساختمان این بناها، با الهامی که از «زیبایی بهشت» در باور خویش داشته،

هرچه زیباتر و هنرمندانه‌تر به کار ببرند و این قبیل ابنیه‌ی مقدس را هرچه زیباتر و آراسته‌تر به نسل بعد و به قرن آینده تحویل دهند.

امروزه، بررسی شیوه‌های معماری و هنری هر عصر و قرنی، به همت مردم همان عصر و قرن در ساختمان ابنیه‌ی مقدس و شکوه‌مند مذهبی، زمینه و بستر مناسب و ارزشمندی را برای محققان تاریخی و پژوهشگران فرهنگی آماده ساخته تا با مطالعه و مذاقه در ساختمان این بناها، ویژگی‌های تمدن و فرهنگی هر دوره از دوران‌های تاریخی این مرز و بوم را مشاهده و ردیابی کنند و با مقایسه‌ی تمدن و فرهنگ دوران‌های مختلف به نتایج کاملاً عینی، سودمند، مستند و اعجاب‌آمیز دست یابند. نتایجی مثل چگونگی تکامل خطوط اسلامی در طول تاریخ و یا مقایسه‌ی هنر کاشی‌کاری عهد صفوی با عهد قاجاری و یا تفاوت‌های میان شیوه‌های معماری در قاب بندی‌های محرابی شکل و یا چگونگی ساخت گنبد و مناره در دوران‌های مختلف و ... از سوی دیگر امروزه حفظ یک اثر تاریخی به منزله‌ی حفظ هویت ملی و دینی ما، تلقی می‌شود و حراست و مرمت آن‌ها و توجهاتی که به این آثار معطوف می‌گردد بسیار ارزشمند است. گاهی این توجهات جنبه‌ی فراملی و جهانی به خود می‌گیرد - مانند مسئله‌ی میدان نقش جهان (امام) اصفهان و سازه‌ی برج رفیع جدیدی که منظره‌ی این میدان و مجموعه‌ی تاریخی وابسته به آن را مخدوش می‌کند.

بنابراین حفظ آثار تاریخی، در واقع حفظ هویت ملی و دینی ماست و تخریب این آثار، تخریب اسناد ملی و مخدوش کردن سیمای هویت ماست. ضمن این که تخریب چنین آثاری، زمینه و بسترهای مناسب مطالعاتی و پژوهشی را نابود می‌کند و روش

مشاهده را که یکی از روش‌های عمده‌ی تحقیقات تاریخی و فرهنگی است از دسترس پژوهشگران خارج می‌سازد و نا دانسته به امور تحقیقاتی و علمی لطمات و خسارات غیرقابل جبرانی وارد می‌نماید.^۱



مرقد شاهزاده محمد قبل از بازسازی

حال با توجه به نکات مذکور سؤال اساسی یک همشهری نهاوندی این است که چرا اداره‌ی اوقاف و هیئت امنای امامزاده و هم چنین سازمان میراث فرهنگی بی هیچ توجهی به موارد بر شمرده و بدون مشورت و نظرخواهی از صاحب‌نظران فرهنگی، شتابزده و بی هیچ عنایتی به اهمیت بافت قدیمی و تاریخی امامزاده محمد، به تخریب

۱- درباره‌ی این بحث، برای اطلاع بیش‌تر رجوع شود به کتاب (از چیزهای دیگر) از استاد عبدالحسین زرین‌کوب و مقاله‌ی برگزیده‌ی (معماری سنتی) از دکتر عبدالله شهبازی در فرهنگ‌گان شماره‌ی ۱۶

این بنا اقدام نموده‌اند؟ آیا گسترش و توسعه‌ی صحن و حیاط امامزاده بدون تخریب بقعه و صحن داخلی کوچک آن امکان‌پذیر نبود؟

البته در داشتن نیت خیر آنان و ارادتشان به خاندان ائمه‌ی اطهار تردیدی نیست ولی هر همشهری و ناظری در این شهرستان نیز این حق را دارد که از تخریب بنای کهن شاهزاده محمد به‌عنوان یک میراث ارزشمند فرهنگی به ویژه برای شهر کهنی مثل نهاوند نگران شود و انتقاد کند، به خصوص که می‌بیند تاکنون آثار تاریخی دیگری از زادگاهش بر اثر بی‌توجهی مسئولان از بین رفته است.

در عین حال، احتمالاً اقدام کنندگان به بازسازی امامزاده پاسخ‌هایی برای این تصمیم و اقدام خود دارند و بسیار به‌جا خواهد بود که از طریق همین فصل‌نامه در شماره‌های بعدی توضیحات آنان به اطلاع همشهریان برسد.^۱

۱- این سؤال نیز مطرح است که چرا اداره‌ی اوقاف بر اساس آیین‌نامه‌ی داخلی و دستورالعملی که در مورد هیئت امنای مکان‌هایی مثل امامزاده دارد و در آن به‌گزینش پنج تا هفت نفر از معتمدین که یک نفر آن‌ها باید از سازمان میراث فرهنگی باشد، تصریح شده است، هیئت امنای امامزاده را انتصاب و فعال نمی‌کند؟ واقعیت امر این است که هیئت امنای امامزاده بیش‌تر جنبه‌ی صوری و تشریفاتی دارد تا جنبه‌ی واقعی و عملی و در عمل یک هیئت سه نفره (آقایان ذاکری و چگینی و سلگی) است، بدون اختیاراتی که، بر اساس شرح وظایف هیئت داشته باشند. واقعیت دیگری که همه از آن آگاه‌اند این است که از سال ۶۶ تا زمان حاضر، مسئولیت هیئت امنای اداره‌ی امامزاده با همه‌ی سختی‌ها و مصائبی که به‌خصوص جهت تکمیل و اتمام ساختمان جدید امامزاده و تدارک و تهیه‌ی هزینه‌های جساری آن وجود دارد، بر دوش مرد خدوم این بقعه‌ی مبارکه، آقای کرم‌خدا غلامی ذاکری قرار دارد و ایشان یک‌تنه تمام وظایف و مسئولیت‌هایی را که قانوناً باید اداره‌ی اوقاف و هیئت امنای امامزاده ایفا نمایند مشتاقانه و صرفاً به دلیل اعتقادات ایمانی خویش پذیرفته است و هم‌چنان، با وجود مشکلات فراوان، به انجام می‌رساند که اجرشان با خدا و ائمه‌ی اطهار (ع) باد.

سنگ موازهای شاهزاده محمد



نمونه‌ای از سنگ مزارها

در فضای داخلی ضریح چهار مزار وجود دارد که کتابه‌ی دو عدد از آن‌ها سنگی و کتابه‌ی دو قبر دیگر چوبی است. کتابه‌های چوبی به شکل هندسی نبش دارند. این قبور از سطح زمین حدود ده تا دوازده سانتی‌متر ارتفاع دارند. دو قبر سنگی و دو قبر چوبی به ترتیب، هر یک به موازات هم، یکی در بالا و دیگری در پایین قرار گرفته‌اند.

از این قبرها در سال ۱۳۷۲ عکس‌برداری شده‌است و آقای دکتر قوچانی از باستان‌شناسان معروف دوره‌ی اسلامی با مساعدت خانم فاطمه کریمی از کارشناسان باستان‌شناسی، آن‌ها را مورد مطالعه و بررسی قرار داده و اظهار نظرهایی ابراز داشته‌اند که در ذیل، ضمن شرح محتوای کتابه‌ها، به آن اظهارات اشاره می‌شود.

۱- مزار اولی: دارای کتیبه‌ی سنگی است و بر روی آن نوشته شده است: هدا قبر

عبدالغفار

با توجه به تزیینات و نوشته‌ی آن، که به خط کوفی مُزَهَّر (گلدار) است، احتمالاً متعلق به قرن چهار یا پنج هجری است و به نظر می‌رسد صاحب این قبر، عبدالغفار، یکی از علما یا عرفای وقت نهاوندی (یا غیر نهاوندی) در قرون یاد شده باشد. البته، تا وقتی که تحقیقی جدی در مورد شناسایی این شخصیت صورت نگیرد، نمی‌توان در این باره اظهار نظر قطعی کرد.

۲- مزار دومی: دارای کتیبه‌ی سنگی است. این سنگ نوشته دارای چهار سطر و حاشیه است و با کلمات و عباراتی مبهم، نارسا، پرسش انگیز و رمز آمیز نوشته شده و دکتر قوچانی خود، نیز در خواندن آن مشکل داشته است. متن کتابه بدین قرار است:

وسط سنگ : جوانی نیامد بمر [یا به ما؟] برک [؟]

حاشیه‌ی پایین: دست چه باد شمالی داند به دست یسا [؟]

پایین : رسول دارد ... [؟]

حاشیه‌ی بالا : نیامراد بازگشت بکین علی نقشه [؟]

به عقیده‌ی خانم کریمی این سنگ قبر با سنگ قبر اولی نیم تا یک قرن اختلاف زمانی دارد. احتمال دارد کلمات «جوانی»، «باد شمالی» و «یسا» قرینه‌هایی دال بر فوت صاحب قبر در ایام جوانی باشد که نام آن از این سطور به روشنی مشخص نیست. شاید مطالعه و بررسی بر روی این نوشته‌ی رمز آلود، معمای آن را در آینده حل کند.

۳- مزار سوم: دارای کتیبه‌ی چوبی ارزشمندی است و در وسط آن این عبارت به صورت کنده کاری نوشته شده است:

هدا قبر شاه سید نظر علی بن القاسم الحسینی الانارودی سنه خمس و سبعین و تسعمانه

بر روی هر یک از دو عرض این کتیبه‌ی چوبی و استثنایی یک بیت از قطعه‌ای دوبیتی نگاشته شده، که ماده تاریخ زمان فوت صاحب قبر است، به این شرح :

بر روی عرض بالایی کتیبه:

از جهان شد چو بر طریق الجنان

میر اهل طریق، شاه‌نظر

و بر روی عرض دیگر:

«میر اهل طریق شد ز جهان»

بهر تاریخ او خزعلی گفتا

این ماده تاریخ که سروده‌ی شاعری به نام «خزعلی» است تاریخ وفات «شاه‌نظرعلی» یا «میرشاه‌نظرعلی» را که به نظر می‌رسد از عرفای دوران صفوی است، سال ۹۷۵ (قمری) ذکر می‌کند که با توجه به پیشوند «شاه» در ابتدای نام او به نظر می‌رسد از عرفای سلسله‌ی نعمت‌اللهیه (پیروان شاه نعمت‌الله ولی) باشد که در این منطقه پیروانی داشته‌است.

سال (۹۷۵ هجری قمری) مقارن سلطنت شاه طهماسب صفوی است. وی، بر اساس منابع تاریخی، بیش از دیگر پادشاهان صفوی به امر ساختن بقعه بر مزار امام زادگان و تعمیر و مرمت آن‌ها علاقه و اهتمام داشته‌است.

۴ - مزار چهارم: دارای کتیبه‌ی چوبی است و پاره‌ای از کلمات و حروف آن فرسوده و ریخته شده‌است. این مزار متعلق به خود امام زادگان محمد و علی است و بر روی آن عبارات زیر نوشته شده‌است (برای سهولت به جای کلمات افتاده شده از نقطه‌چین استفاده کرده‌ایم).

در وسط کتیبه نوشته شده: هدا قبرانا ... محمد امام الکاظم ...

در عرض بالایی کتیبه: نصرمن الله و فتح قریب و بشر المؤمنین

و بر روی عرض دیگر: ... محمد ... علی خیر البشر مع ائمة احد عشر^۱

هم جواری سه قبر یاد شده (قبر عبدالغفار، میر شاه نظر و شخص ناشناس دیگر)، که به احتمال قریب به یقین از زهاد و عرفای سرشناس در نهاوند بوده‌اند، نشان از اعتقاد قلبی شیعیان به خاندان ائمه‌ی اطهار (ع) و شفاعت آن بزرگواران از پیروان و امت خود در روز جزا دارد. از این روست که از گذشته‌های دور، در مرقد امامزادگان و یا در جوار مزار ایشان، قبور و گاه گورستانی کوچک از شیعیان دیده می‌شود. امری که امروزه نیز پابرجاست و در صحن شاهزاده محمد در زمان حاضر نیز، شاهد چنین مقبره‌ای - هر چند کوچک و محدود - هستیم.

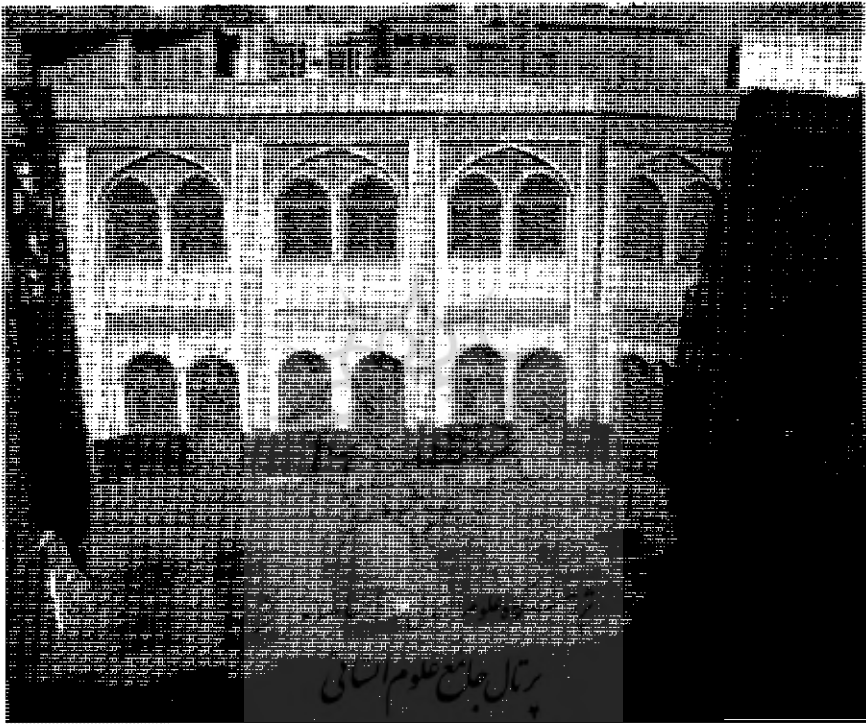
امامزاده طالب گش

«شاهزاده محمد» در بین مردم منطقه به «امامزاده طالب گش» معروف است. علت این معروفیت را مرحوم آیت‌الله حاج شیخ علی اکبر نهاوندی در کتاب «بنیان رفیع در شرح احوال خواجه ربیع» در صفحات ۳۱۹ و ۳۲۰ ذیل عنوان «قضیه‌ی طالب نام نهاوندی و اراده‌اش سرقت قنذیل امامزاده را» شرح داده است که در زیر عیناً نقل می‌شود:

«در بلده‌ی نهاوند که مسقط الرأس این حقیر مؤلف است، قبر امامزاده‌ای می‌باشد که موسوم به شاهزاده محمد است و چنین اشتهار دارد که از فرزندان حضرت امام همام موسی بن جعفر صلوات‌الله علیهماست و ملقب به طالب گش است.

۱ - تعیین قدمت و ارزیابی تاریخی این قبور و شناسایی صاحبان مزارهای هم‌جوار با امامزاده، کار جدی و کارشناسانه‌ای را، فراتر از تحقیق حاضر، می‌طلبد.

سبب تلقبش به این لقب بنا بر آنچه که این حقیر از والد مرحوم ، که خودش در زمان وقوع قضیه واقف بوده، شنیدم و جماعت کثیری از معمرین را هم با آن مرحوم در این قضیه هم قول دیدم، آن است که:



نمایی از بازسازی اخیر و محوطه‌ی حرم

در زمان خاقان مغفور فتحعلی شاه قاجار که ابنای سلطنت ، هر کدام در بلدی حکومت داشتند ، حکومت نهاوند با محمود میرزا، که از پسران خاقان است، بوده و در اوقات توقفش در آن جا یکی از فرزندانش که کمال محبت و علاقه را به او داشته مریض می شود، به حدی که تمام اطبای حاضر الوقت از معالجه‌ی او عاجز می گردند.

پس یکی از اجزای اداره‌ی حکومت که آدمی راسخ الاعتقاد و از اهل بلد بوده، خدمت محمود میرزا معروض می‌دارد که امام‌زاده‌ای است در این جا که قبرش در میان بازار و به بودنش از فرزندان موسی بن جعفر علیه‌السلام اشتهار دارد. امید است که اگر برای بقعه‌ی مبارکه ایشان نذری نمایید و شفای آقا زاده از جنابش بخواهید، نذر شما به ذروه‌ی قبول نائل گردد و این آقا زاده را بُرء [دور شدن] از مرض حاصل گردد.

پس محمود میرزا چنین نذر می‌کند که اگر این فرزند مرا شفا حاصل شد یک عدد قندیل از نقره، که وزن آن نیم من سنگ تبریز باشد، از برای بقعه‌ی آن امام‌زاده ترتیب داده و در سقف بقعه آویزان نماید. چون نذر او محقق شد آنآ فائاً حال آن طفل مریض روی به بهبودی نهاده و در اندک وقتی صحیح و سالم گردید.

سپس محمود میرزا به نذر خود وفا می‌کند و قندیلی را که وصف شد ترتیب داده و خودش وارد آن بقعه شده و بعد از زیارت، نردبان طلیده و به دست خود آن قندیل را در سقف آن بقعه آویزان نموده و بیرون آمده و چون چند روزی از این مقدمه می‌گذرد، شخصی که طالب نام داشت و به قُطَاع الطریقی و دزدی در نزد اهل نهاوند معروف بوده، از این معنی مطلع می‌شود و در خیال سرقت آن قندیل نقره می‌افتد.

پس شبی از شب‌ها نردبانی برداشته و از معبری که از پشت بقعه و طرف شمالی آن مساوی با پشت بام آن بقعه است، به واسطه‌ی نشیب و فراز بودن اراضی بلده‌ی نهاوند، چنان که این کیفیت، الحال محسوس و مشاهد است، وارد به پشت بام بقعه می‌شود. نردبان را سرازیر [می‌کند و وارد] در صحن آن بقعه می‌شود و از بالای سطح، پایین

می‌رود و در آن بقعه را کنده به کناری می‌گذارد و نردبان را وارد بقعه نموده و مُحاذی آن قندیل [نردبان را] بر دیوار بقعه می‌گذارد و بالا می‌رود.

چون به پله می‌رسد و دستش به آن قندیل رسا می‌شود و می‌خواهد زنجیر آن قندیل را باز کند، ناگاه صدایی عظیم و هولناک از میان صندوق چوبی، که بر بالای قبر آن امامزاده گذاشته شده است، بلند می‌شود. به نحوی که طالب را دهشت و وحشت گرفته و بدنش مرتعش شده و از کار می‌افتد و از بالای نردبان در میان بقعه بر روی زمین افتاده و فی الفور به دَرک واصل می‌شود.

پس بازار خواب‌ها از صدای افتادن آن خبیث مطلع شده، آمده و به هر نحو که بوده در صحن آن بقعه را گشوده، داخل شده و آن کیفیت را دیده، خبر به محمود میرزا رسانیدند و در صبح آن روز مردم شهر ازدحام نموده و از برای تماشای جسد آن خبیث دور آن بقعه حاضر شدند و والد حقیر رحمة الله علیه حاضر الوقت بوده، می‌فرمود که بدن طالب ملعون مثل مُرکب سیاه شده بود.

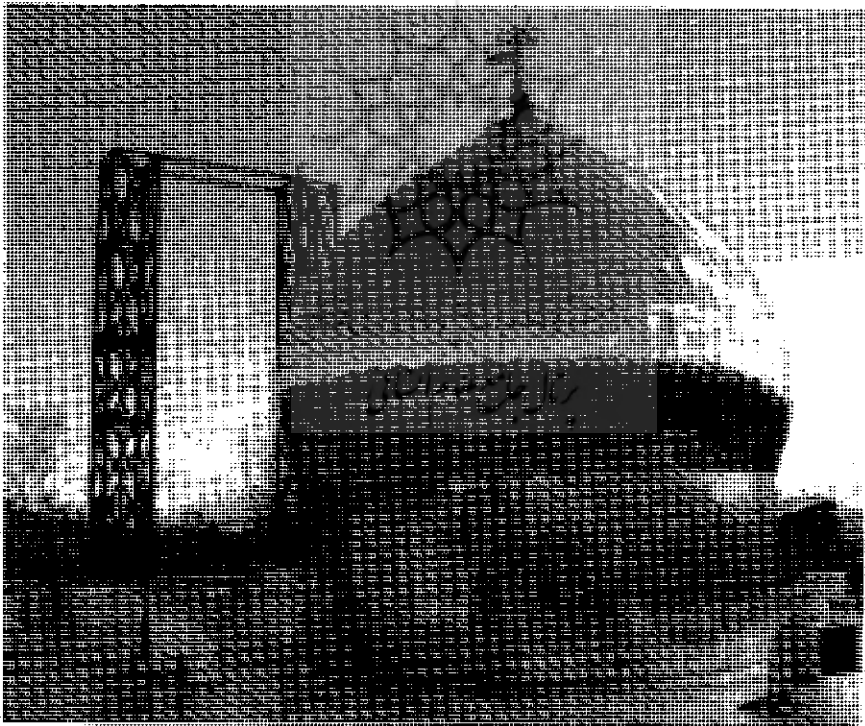
پس محمود میرزا امر نموده که نقاره‌ی شادی زده و کوس عشرت بنواختند و شهر را آیین بسته و چراغان نمودند و از آن روز تا حین کتابت، آن امامزاده‌ی آزاده به امامزاده‌ی طالب گمش معروف است.»

شاهزاده محمد و آیین‌های مردمی

شاهزاده محمد، برای مردم این شهرستان و منطقه تنها یک زیارتگاه نبوده و نیست، بلکه جایگاه عبادت، راز و نیاز، عرضه‌ی حاجات، برآوردن نیازها و تجلی‌گاه امیدها و

آرزوهاست. در این جا خواست بی‌آلایش مردم دردمند و انسان‌های پاک نهاد، به ویژه زنان و مادران آرزومند و صافی ضمیر، صمیمی و صادقانه تجلی می‌یابد.

این انس و الفت و ارتباطات بی‌ریا و به دور از تشریفات، آیین و آداب و رسومی مردمی را طی سال‌های متمادی بین عامه‌ی همشهریان پدید آورده است. طبیعی است که این آداب، در فضا و بافت قدیمی و روح‌نواز و آرامش بخش آن، نسبت به زمان حاضر، جلوه و نمود بیش‌تری داشته است. پاره‌ای از این آداب و رسوم، امروزه منسوخ و فراموش شده و پاره‌ای از آن‌ها هم‌اکنون نیز باقی و پابرجاست، از جمله:



بازسازی مرقد (گنبد و مناره‌ها)

۱- «گرو گرفتن» :

رسم دیرینه‌ای بوده است که افراد حاجتمند به نیت برآورده شدن نیازشان شیئی کوچک - مثل یک استکان - را از این آستانه‌ی مقدس به گرو بر می‌داشتند و با خود می‌بردند و تا زمان برآورده شدن حاجتشان آن را نزد خود نگه می‌داشتند و همین که حاجتشان برآورده می‌شد، آن شیء را به انضمام نذری مورد نظرشان به امامزاده بازمی‌گرداندند.

۲- بنِ دخیل (بند دخیل) و دخیل بستن :

افرادی که مشکل و گرهی در زندگی داشتند، به ویژه زنها، پارچه‌ی سبز متبرک یا تکه پارچه‌ای از لباس خود، یا رشته‌ای نخ و ریسمان و یا قفلی را، به نیت باز شدن گره و مشکل از کارشان و یافتن مُرادشان، به زنجیری که به در حرم حمایل شده بود می‌بستند. این زنجیر را «بنِ دخیل» (بند دخیل) و به این کار «دخیل بستن» می‌گفتند. گاه زنجیر دخیل از سنگینی و انبوهی قفل‌های گوناگون و پارچه‌های سبز رنگ، انحنای خمیدگی پیدا می‌کرد، به طوری که برای عبور از زیر آن مجبور می‌شدند زنجیر را با دست بالا نگه دارند.

۳- شادیانه (شادیانه)

شادیانه رسم گُهن، زیبا و دل‌پذیری بود که در شب‌های جمعه (بعد از ظهر و عصر روزهای پنج‌شنبه) اجرا می‌شد. بدین شرح که هنگامی که نذر و نیاز حاجتمندی برآورده می‌شد با پرداخت مبلغ ناچیزی (یکه یا دو تومان) به طبّال امامزاده، درخواست می‌کرد به شکرانه‌ی آن برایش «شادیانه» بزند.

طبال هم به پشت بام بقعه می‌رفت و ضمن گردش به دور گنبد امامزاده، با دو کوبه‌ی چوبی کوچک، به نواختن طبلی که از گردنش آویزان بود می‌پرداخت. طبال غالباً هفت بار دور گنبد می‌چرخید و طبل می‌زد. این آیین را «شادیانه» یا «شادیانه زدن» می‌گفتند و همان‌طور که از اسمش پیداست نشان از شادمانی و ابتهاج دل‌هایی داشت که مراد و نیازشان برآورده شده بود.

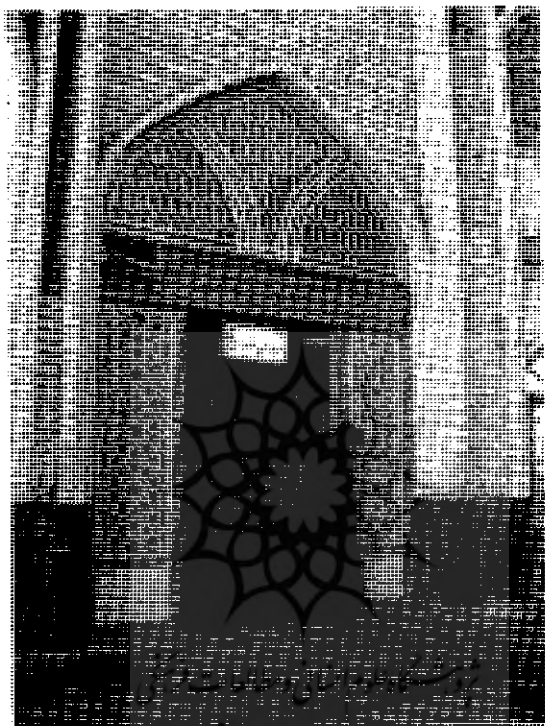
صدای طبل شادیانه، که گاه تا دور دست‌ها در شب‌های جمعه شنیده می‌شد، این شادمانی را در شهر می‌پراکند. این رسم تا پانزده سال پیش رایج و جاری بود. اما امروز متروک و فراموش شده است. آخرین «شادیانه زن» و «طبال» امامزاده مرحوم «شکرالله خدارحمی» معروف به «شکری» بود. «شادیانه» و «بند دخیل» از آیین‌های خاطره‌انگیز شاهزاده محمد است که هیچ‌گاه از ذهن نسل‌های گذشته زدوده نمی‌شوند.^۱

۴- روضه (روضه خوانی) :

زایران و افراد نیازمند، به نیت برآورده شدن نیازشان مبلغی به یکی از روضه‌خوانان حاضر در حرم امامزاده می‌دادند تا برایشان روضه‌ی یکی از امامان معصوم (ع) را بخواند. روضه‌خوان بی‌هیچ تشریفات‌ی به صورت ایستاده روضه می‌خواند و شخص یا اشخاص نیازمند از ذکر مصیبت و شنیدن روضه می‌گریستند و از خداوند برآورده شدن نیازشان را می‌طلبدند.

۱- به نظر می‌رسد «رسم شادیانه» از زمان محمود میرزا حاکم وقت نهبوند (۱۲۴۱ - ۱۲۳۰ ق) و به ابتکار وی - همان‌طور که در داستان «امامزاده طالب کش» ملاحظه کردید - رواج یافته است. «فرهنگان»

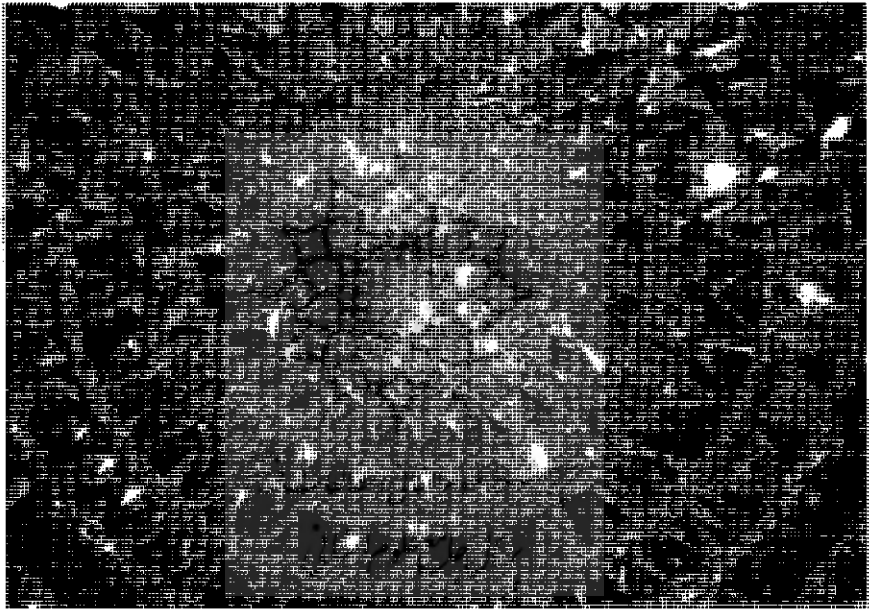
از روضه‌خوانان شاهزاده محمد می‌توان از «مرحوم سید محمد سید حسینی»، «مرحوم جعفر محجوب»، «ملا علی مؤمن» و در سال‌های اخیر از «مرحوم عزت‌الله روشنفکر» یاد کرد.



۵- سفره (سفره انداختن)

غالب اوقات زنان نیازمند نذر و نیاز خود را، به صورت انداختن سفره به نام سفره‌ی حضرت فاطمه‌ی زهرا (س) یا حضرت رقیه (ع) و ... در داخل حرم امام‌زاده، به جا می‌آوردند. در این آیین یکی از روضه‌خوانان روضه‌ای مناسب سفره می‌خواند و سپس زنان با خواندن قرآن و دعا از خدا و معصومی که سفره به نام او متبرک شده بود نیاز

خود را می طلبیدند. این سفره‌ها در نهایت خلوص و سادگی و بی‌آلایشی و به دور از هرگونه تجمل و تشریفات و صرف هزینه‌های زاید به انجام می‌رسید. توشه‌ی این سفره‌ها معمولاً نان و خرما و گاه نان و حلوا بود که به شکل لقمه‌های از قبل گرفته شده بین زایرین و به ویژه فقرای حاضر در صحن امامزاده تقسیم می‌شد.



بخشی از سقف آینه‌کاری شده‌ی مرقد

۶- شمع روشن کردن :

این آیین در تمام مرقد و مشاهد مقدس، رسمی آشنا و جاری است. در شاهزاده محمد نیز حاجتمندان به نیت یافتن مراد یا برآورده شدن نیازشان، دسته‌ای شمع نذر

امامزاده کرده، آن را در جایی که برای همین منظور تعیین کرده‌اند روشن می‌کنند. این نذر و آیین در ایام عادی، بیش‌تر در شب‌های جمعه رواج دارد و در ایام خاص و سوگواری ائمه‌ی اطهار (ع)، در شب‌های نوزدهم و بیست‌ویکم ماه رمضان - شب‌های احیاء- و در شب‌های تاسوعا و عاشورای حسینی و در شب شام غریبان در ماه محرم و بیست‌وهشتم صفر از رونق خاصی برخوردار است.

سخن پایانی: یک تقاضا

همان‌طور که در متن گزارش آمده در سال ۱۳۷۲، ضریح چوبی و قدیمی شاهزاده محمد را از روی مزار ایشان برداشته و به جای آن ضریح تازه ساز فلزی مشبکی قراردادند. سپس ضریح چوبی را به صحن امامزاده مهدی منتقل کردند. بردن این ضریح از آستانه‌ی مقدس، اگر چه در آن تاریخ به دلیل نبود جا و مکان مناسب ضرورت داشت، اما محافظت جدی از آن نیز ضرورت دارد. نظر به نفاست و ارزش تاریخی و فرهنگی این ضریح از یک سو و آسیب‌پذیری این میراث تاریخی به‌جا مانده از قرن سیزدهم از سوی دیگر، از مسئولان نهادهای محترم (شهرداری، فرمانداری، اداره‌ی اوقاف، ارشاد اسلامی، میراث فرهنگی و شورای اسلامی شهرستان نهاوند) تقاضا داریم جا و مکان مناسبی برای حفظ و نگهداری این ضریح ارزشمند اختصاص دهند و با نگهداری آن در آن‌جا و مراقبت شبانه‌روزی از محل، هرگونه نگرانی احتمالی همشهریان را برطرف سازند.

بدیهی است با مرمت آن به وسیله‌ی کارشناسان سازمان میراث فرهنگی و حفظ و نگهداری آن در محلی که مورد بازدید گردشگران و مردم نیز واقع شود، اقدام مطلوب‌تری است و گوشه‌ای از مفاخر فرهنگی و مذهبی این شهرستان به نمایش گذاشته می‌شود.

منابع و مأخذ

- ۱- بنیان رفیع در شرح احوال خواجه ربیع (قطع وزیری ، چاپ سنگی در یک مجلد)
- ۲- تهذیب الانساب، چاپ ۱۴۱۳ ق، کتابخانهی آیت الله مرعشی
- ۳- دایرة المعارف تشیع ، جلد دوم ، ذیل «امامزاده»
- ۴- شجرة المباركة ، چاپ ۱۴۰۹ ق ، کتابخانهی آیت الله مرعشی
- ۵- عمدة الطالب ، قم ، انتشارات شریف رضی، ۱۳۶۲ ق
- ۶- فرهنگ آبادی‌ها و مکان‌های مذهبی کشور ، چاپ آستان قدس رضوی، ۱۳۶۷ ش
- ۷- منتقلة الطالبیه ، چاپ ۱۳۸۸ ق ، نجف ، حیدریه

ناگفته‌هایی از پیشینهی بقعهی مبارکه

(۲)

در این بخش توضیحات و خاطراتی از آقای مهدی رضی (متولد ۱۳۰۱ نهاوند) متصدی سابق امامزاده را ملاحظه می‌کنید:

«شاهزاده محمد» در محلی قرار دارد که قبلاً بین بازار مسگرها (بیش از بیست دکان مسگری) و راستای نجارها واقع بود. روبه روی حرم ، دکان‌های عطاری و قنادی و کسبه‌ی متفرقه قرار داشت. در اصلی و ورودی آن با دو سکو و زنجیر آویزان در همین جا واقع بود. ابتدا در کوچکی داشت. بعدها شخصی به نام روح الله رئوفی در بزرگی برای بقعه ساخت و به جای در قبلی نصب کرد.

موقعیت جغرافیایی بقعهی مبارکه ، قبل از عمران و توسعهی آن توسط برادرم مرحوم جعفر رضی و دوستانش ، تا (سال ۱۳۳۲) به این شرح بود : مساحت کل بقعه حدود شصت تا هفتاد متر مربع بود. پشت این بقعه مسجد کوچکی با تیرهای چوبی کج و معوج ، به مساحت حدود چهل متر مربع قرار داشت و با چند تکه حصیر مفروش بود.

دولنگ در آن یکی نیمه باز و یکی شکسته بود. صحن حیاط کوچکی هم در کنار بقعه بود که بعدها درخت توت غرسی شده بود و چنار بزرگی داشت. پای چنار با چند پله‌ی به پایین به یک رشته آب می‌رسید. آب این سرداب از قیصریه جاری می‌شد. کسبه‌ی محل در این سرداب وضو می‌گرفتند و در مسجد که پر از گرد و خاک بود، انفرادی نماز می‌خواندند. به فاصله‌ی چند متری از مسجد خرابه‌ای بود و افراد مقیم آن محل با لوله‌نگ‌های گلی (شیشه آفتابه) در آن جا رفع حاجت می‌کردند. این محل غیر مسکونی بود و شب‌ها مردم با ترس و وحشت از آن‌جا عبور می‌کردند.

اصالت و جایگاه تاریخی این حرم شریف طی بیان خاطره‌ی «امام زاده‌ی طالب گش» توسط آیت‌الله حاج شیخ علی‌اکبر نهاوندی رحمه‌الله علیه، در صفحه‌ی ۳۱۹ کتاب «بنیان رفیع در شرح احوال خواجه ربیع» آمده است. علاقه‌مندان به این کتاب مراجعه نمایند.

در این جا مناسب می‌دانم چند خاطره را بیان کنم که به این حرم مطهر مربوط می‌شود و اطلاع از آن‌ها، به خصوص برای نسل جوان و اشخاص بی‌خبر از پیشینه‌ی این زیارتگاه، مفید خواهد بود.

۱- برادرم مرحوم جعفر رضی، که مدت‌ها سرپرستی بقعه‌ی مبارکه را به عهده داشت، (از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۶۴) یک روز وارد حرم می‌شود و می‌بیند یکی از قالیچه‌های اهدایی اشخاص در امام‌زاده نیست. وی از این ماجرا بسیار ناراحت می‌شود و با حالتی مضطرب و گرفته به فکر چاره‌جویی می‌افتد. من به ایشان گفتم بهتر است به پلیس و آگاهی نهاوند مراجعه کند. در آن‌جا یک همشهری به نام میرزا پور داشتیم که به «جانی‌دالر»

معروف بود. او همین که در جریان سرقت قرار گرفت فوراً برای تحقیق از محل به امامزاده آمد و به اخوی گفت من ردپای سارق سابقه‌دار را می‌گیرم، شما هم از خودش (امامزاده) بخواهید کمک کند تا بررسی و تحقیق به نتیجه برسد.

خوش‌بختانه دو روز بعد سارق شناسایی شد. او شخصی به نام ماشاء‌الله بود که با یک تخته قالیچه در خرم‌آباد بازداشت شده بود. سرانجام پی‌گیری‌ها نتیجه داد و سارق به دزدی خود از مرقد شاهزاده محمد اعتراف کرد. اخوی پس از تحویل گرفتن قالیچه و گسترده آن در صحن حرم، ضمن شکرگزاری به درگاه حق، با شیرینی از حاضرانی که برای دیدن فرش آمده بودند، پذیرایی کرد. سارق هم، هرچند سنی نداشت، عمر چندانی نکرد و جوان مرگ شد، خداوند از سر تقصیرات او بگذرد.

۲- زمان تصدی برادرم مرحوم جعفر رضی در همان (سال ۱۳۳۲) یک آتش‌سوزی مختصر در بقعه روی داد که هرچند باعث تأسف و نگرانی شد، اما انگیزه‌ی عمران و بازسازی آن گردید. ماجرا از این قرار بود که این‌جانب برای روشن کردن شمع به امامزاده رفتم. ساعات آخر شب عاشورا بود. ناگهان متوجه شدم کاغذهای زیادی در محل شمع‌های روشن، ریخته‌شده و در حال سوختن است. صندوقی هم که شمع‌ها را روی آن می‌گذاشتند حدود بیست درصدش سوخته شده بود و هم‌چنان از آن دود بر می‌خاست. اخوی را خبر کردم و به اتفاق، در حالی که برای اطفای حریق تجهیزات نداشتیم، با وسایل اولیه (قوطی، ظرف شکسته و...) و پس از بارها آوردن آب، آن‌ها را خاموش کردیم و به منزل برگشتیم. اخوی نگران بود مبادا مجدد آتش سوزی شود. از این رو بار دیگر به امامزاده بازگشتیم و پس از مطمئن شدن، به خانه آمدیم.

بعد از این ماجرا بود که اخوی تصمیم گرفت برای عمران و توسعه‌ی آن وارد میدان شود. الحق دوستانش هم به کمک او برخاستند، از جمله: ۱- مرحوم رضا سمیع، ۲- مرحوم سید جواد مرتضوی، ۳- مرحوم جعفر شهبازی خباز (اهل آن محل)، ۴- استاد شکرالله عبداللهی معمار و ۵- حاج مرتضی خدارحم، در این راه زحمت کشیدند این آقایان فعالیت‌های خود را برای توسعه‌ی بقعه به جایی رساندند که مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عزیزالله علیمرادیان شرایط را برای گسترش فضای امام زاده مناسب دید و با تشویق دکان‌دارهای محل، فضای محدود آن روز بقعه را توسعه داد.

از جمله مرحوم حاج غلامحسین زشتی نجار، حاج عزیز فروردین، حاج علی حقیقی، حاج حسین معینی، آقای سید ابوالقاسم فتاحیان، آقای تقی صالحی و آقای رستگاری دکان‌های خود را که سند رسمی داشت در حق حاج شیخ منتقل کردند (سوابق در دست آقای رضا درخشان است). دکان‌هایی هم که سند رسمی نداشت صاحبانشان، آن‌ها را زبانی بحل کردند و در اختیار مجموعه‌ی حرم قرار گرفت. استقبال از اهدای دکان و زمین برای توسعه‌ی بقعه به غیر مسلمانان نیز گسترش یافت.

توضیح این که برای تکمیل ساختمان مسجد (آب‌دارخانه، کفش‌کن و...) به قسمتی از ملک قیصریه نیاز بود و به همین منظور تصرف شد. شخصی که مدعی زمین بود، بدون این که برای مالکیت آن مدرکی داشته باشد، مانع تراشی می‌کرد. وی از قیصریه سهم الارث مطالبه می‌کرد، اما در مراجعه به دادگاه ادعایش رد شد. وی حاضر نمی‌شد برای توسعه‌ی مسجد قدمی بردارد و هم‌چنان خود را مالک می‌دانست.

از قضا ورثه‌ی «شالوم رضوانی» هم در محل مالک بودند. مدعی یاد شده حتی به «رضوان رضوانی» پسر شالوم متوسل شده بود و به او القا کرده که کسانی می‌خواهند به بهانه‌هایی صاحب زمین شوند و نباید همکاری کرد! رضوانی با این که کلیمی بود مرد خوب و دادرسی بود. عاقبت هم بر اثر تصادف فوت کرد و سروکارش با خدای ارحم الراحمین خواهد بود.

روزی آقای رضوان رضوانی به اتفاق آن شخص جلوی مسجد حاضر می‌شود و ضمن این که به استاد شکرالله و برادرم «خداقوت» می‌گوید به همراهش (مدعی یاد شده) یادآوری می‌کند این‌ها زمینی را که به تصرف درآورده‌اند برای ساختن مسجد بوده است نه برای خودشان. سپس خطاب به برادرم و به معمار می‌گوید هرچه قدر زمین برای مسجد گرفته‌اید از طرف خودم و برادر و خواهرانم هم چون شیر مادر حلال می‌کنم. این خبر وقتی به حاج شیخ رسید بسیار خوشحال شد و برایش دعا کرد.

۳- دیوارهای مسجد امام‌زاده که بالا رفت برای زدن سقف آن به تیر آهن نیاز بود و با یک شاهی دوشاهی آن روز و روزگار هم این مشکل حل نمی‌شد.

از قضا یک روز شخصی بروجردی که گذرش به نهاد افتاده بود پس از ورود به مسجد و خواندن نماز، می‌پرسد چرا این مسجد سقف ندارد؟ برادرم و معمار پاسخ می‌دهند برای خرید تیر آهن آمادگی نداریم. وی که خودش را حاج شهریار بروجردی و تاجر فروش آهن معرفی می‌کند با لهجه‌ی بروجردی می‌گوید من هرچه آهن می‌خواهید برایتان می‌فرستم. شما پول آن را به تدریج و پس از جمع آوری کمک‌های

مردم برایم بفرستید و به این ترتیب مسجد تکمیل شد. من چنین اتفاق را از عنایات و الطاف الهی می‌دانم.

۴- مسجد در حال تکمیل بود و احتیاج به سفیدکاری و تزیین داشت. مجلس ختمی در آن‌جا برقرار شده بود. مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمودولی حیدری قبل از این‌که به منبر برود، بعد از سلام و تعارفات سؤال کرد چرا مسجد را تکمیل نمی‌کنید؟ به ایشان عرض کردیم خدا گواه است کفگیر به ته دیگ خورده است و جایی هم نیست که گوش نبریده باشیم!

ایشان پس از گفتن لطیفه‌ای آهسته و خودمانی، به منبر رفت و پس از بیان مقدماتی گفت متصدی این مسجد چه کسی است و چرا آن را تکمیل نمی‌کند؟ معمار که در جمع حاضران نشسته بود، جواب داد حاج آقا دستمان خالی است. ایشان فرمود بلندشو کلاهت را بردار و این جا بیا، اول من خودم ده تومان کمک می‌کنم، بعد کلاه را در جمع حاضر بگردان. ناگهان شور و هیجانی در مردم ایجاد شد به طوری که همان‌جا حدود دویست تومان جمع آوری شد و بخش زیادی از کار انجام گرفت.

۵- با فوت برادرم، مرحوم جعفر رضی، مسئولین منظور دست‌اندرکاران امامزاده آقایان: سید روح‌الله موسوی، رضا سمیع، شکرالله عبدالهی از این جانب دعوت کردند تا سرپرستی امامزاده را به عهده بگیریم. ابتدا قبول نکردم، ولی بعد ترجیح دادم بپذیرم و اقدامات اخوی را ادامه دهم، ضمن این‌که خودم نیز دیدگاه‌هایی داشتم.

از جمله نظر به این‌که شخصاً به آثار سنتی و قدیمی علاقه داشتم، به معمار مسجد سفارش کردم بنای مسجد را به سبک قدیم تکمیل کند. معمار هم در مسجد قاب‌هایی

تعبیه کرد و با استفاده از کاشی‌های اصفهان، جای‌جای مسجد به آیات مربوط به نماز و امر به معروف و نهی از منکر مزین گردید. قاب دیگری نیز ساخت و آداب خواندن نماز غفیله و متن نماز آن را به طور کامل در آن جا داد. محلی سکو مانند هم برای قاریان قرآن ساخت.

از همه زیباتر احداث محراب کاشیکاری شده‌ای بود که در تهیه‌ی آن بسیار زحمت کشیده شد. آقای نصرتی خطاط و نقاش همشهری، حدود دو ماه صرف وقت کرد تا «بسم‌الله» را بالای محراب و سوره‌ی مبارکه‌ی «الرحمن» را اطراف دیوارها بنویسد.

هم‌چنین تصمیم داشتم برای قسمتی از داخل مسجد سوره‌های کوچکی از قرآن را به صورت گچ‌بری تزیین کنم ولی کسی را برای این کار نمی‌شناختم. اتفاقاً روزی جلوی دکان ایستاده بودم که شخص ناشناسی از کنارم عبور کرد و چند قدمی رفت و سپس برگشت و از من پرسید مهدی رضی را می‌شناسی؟ گفتم خودم هستم. وارد دکان شد و گفت من اهل زرامین هستم و بنای گچ‌کارم، روزی در بروجرد قدم می‌زدم که سیدی سلام کرد و از من پرسید کجایی هستی گفتم نهایندی. گفت پیش مهدی رضی برو و بین چه کاری دارد. اگر توانستی با او همکاری کن. حالا آمده‌ام اگر کاری داری در خدمتم. من هم او را به امام زاده آوردم و محلی را با طرحی که خواستم به او نشان دادم. خودش طرح را کامل‌تر کرد و به مدت یک ماه - تنها با پرداخت ششصد تومان به او و کارگرش - گچ‌کاری‌ها را انجام داد. در صحن حیاط نیز کاشی‌های سفارشی از اصفهان را با اسامی مبارک ائمه نصب کرد. من این جریان را هم از الطاف و امدادهای خداوندی می‌دانم.

آنچه بعدها موجب تأسف و افسوس من شد این بود که این همه اقدامات و نیز آثار هنری و سنتی تعبیه شده در این مجموعه‌ی بقعه‌ی شاهزاده محمد بر باد رفت! افسوس، عده‌ای که قدر این آثار را ندانستند توسط بولدوزر در چند ساعت آن‌ها را زیر و رو کردند و آیات قرآن، اسامی مقدس ائمه، زیارت نامه‌ها و... را به هم ریختند و حرمت آن‌ها را نگاه‌نداشتند.

شاهزاده محمد و اداره‌ی اوقاف نهاوند

(۳)

در گزارش مشترکی که آقایان فرهنگ حیدری (مسئول امور دینی اوقاف همدان) و ذبیح‌الله سیفی (کارشناس امور اوقافی و دینی اوقاف نهاوند) برای «فرهنگان» ارسال کرده‌اند، ابتدا به ضرورت داشتن اعتقادات و باورهای مذهبی و بهره‌گیری از رهنمودهای پیامبران و جانشینان آنان اشاره نموده‌اند. آن‌گاه مهاجرت امام زادگان و سادات را در دوران حکومت‌های جائر اموی و عباسی به ایران مطرح کرده و به شهادت رسیدن یا فوت آنان در جای‌جای ایران را سبب شکل‌گیری‌های بقاع متبرکه دانسته و سپس از بقعه‌ی شاهزاده محمد در نهاوند نام برده‌اند، آن‌گاه به ذکر اقداماتی که اداره‌ی اوقاف نهاوند در جهت بازسازی این بقعه داشته پرداخته‌اند. با تشکر از این دو همشهری گرامی بخش اخیر گزارش را به اطلاع خوانندگان ارجمند می‌رسانیم: «فرهنگان»

«پس از پیروزی انقلاب، در سال ۱۳۶۵ مدیریت بقعه‌ی مبارکه به سازمان اوقاف و امور خیریه‌ی شهرستان نهاوند، به ریاست ذبیح‌الله سیفی، واگذار شد. اولین اقدام قانونی انتخاب هیئت امنایی برای این مکان مقدس بود و از معتمدین محل مانند آقایان کرّمخدا

غلامی ذاکری ، حاج غلامرضا چگینی ، احمدرضا درویش و حاج کرم رضا سلگی برای عضویت در این هیئت دعوت به عمل آمد. اقدام بعدی در اجرای مقررات سازمان اوقاف بازسازی و احیای این مرقد مطهر بود. از جمله در سال ۱۳۷۳ پس از مشورت با هیئت امنای جهت تهیه ی ضریح جدیدی برای بقعه اقدام گردید و به حاج مصطفی روزگاریان ، که در اصفهان به این کار اشتغال داشت سفارش لازم داده شد. با آماده شدن و حمل آن به نهاوند مردم شاهد مراسم باشکوهی در این خصوص بودند و ضریح جدید به جای ضریح قبلی نصب گردید. ابیات زیبای حکاکلی شده در اطراف این ضریح از مرحوم حاج فیض الله حیدری شاعر و همشهری گرامی است.^۱ یادش گرامی باد. از اقدامات بعدی اداره ی اوقاف و هیئت امنای، توسعه ی بقعه ی از طریق خریدن دکان های اطراف آن است و امیدواریم در آینده ای نه چندان دور ، بر اساس نقشه های ترسیمی مهندسین مجرب ، علاوه بر صحن حرم مطهر ، سرویس های بهداشتی ، زائرسرا ، کتابخانه و دیگر تأسیسات رفاهی بقعه احداث گردد و مورد استفاده ی زائران قرار گیرد.»

ماجرای ضریح جدید بقعه ی مبارکه

(۴)

آقای کرم خدا غلامی ذاکری عضو محترم هیئت امنای بقعه ی مبارکه ی شاهزاده محمد نیز با ارسال گزارشی برای فصل نامه ، گوشه هایی از سوابق و پیشینه ی امام زاده را تشریح کرده ، سپس از همشهریان ساکن در شهرستان نهاوند و مقیم شهرستان های

۱ - چون ابیات یاد شده در گزارش قبلی مشروحاً نقل شده، در این جا از تکرار آن خودداری شد.



دیگر دعوت نموده است کمک‌های نقدی خود را برای تکمیل بازسازی این بقعه‌ی مبارکه به حساب جاری زیر واریز نمایند.

شماره‌ی حساب ۴۳۱۴/۹ بانک ملت مرکزی نهاوند
برای بازسازی شاهزاده محمد

در گزارش آمده است:

۱- کل زیربنای بقعه قبلاً دویست و شصت متر مربع بوده و هم‌اکنون یک هزار و یکصد متر مربع شده است. شک نیست این توسعه‌ی حرم نتیجه‌ی تلاش اداره‌ی اوقاف نهاوند، هیئت امنا و مهم‌تر از این دو، کمک‌های بی‌دریغ مردم شهری و روستایی بوده است و به جاست که همه‌ی ما سپاس‌گزار این مردم باشیم.

۲- تاکنون بیش از چهارصد و پنجاه میلیون تومان برای بقعه‌ی مبارکه هزینه شده که باید آن را از عنایات حضرت حق بدانیم. بی‌شک کمک‌های اندک اما خالصانه‌ی مردم در طول سال‌ها، به لطف خدا این چنین برکت یافته و رقم چشم‌گیری شده‌است.

۳- آقای مهندس جعفرزاده رئیس کارخانه‌ی سیمان درود، در زمانی که هیئت امنا برای بازسازی بقعه تنگنای شدید مالی داشت بی‌دریغ به کمک برخاست و سیمان مورد نیاز را برای بازسازی، به میزانی که در توان داشت اهدا کرد، که بدین وسیله از ایشان و همکارانشان سپاس‌گزاری می‌شود.

۴- این حرم شریف همواره پناهگاه و عبادتگاه شیعیان و محبان اهل بیت (ع) بوده است و کم نیستند کسانی که مشکلات زندگی یا دردهای لا علاج خود را با توسل به این دو بزرگوار بر طرف کرده‌اند و شفا گرفته‌اند. از جمله مریضی که تحت درمان یک پزشک جراح بود، ناباورانه در یکی از معاینات خود در می‌یابد که آن مریض به طور ناگهانی و غیرمنتظره تغییر حالت داده است و هنگامی که سبب را از مریض جویا می‌شود پاسخ می‌دهد که به شاهزاده محمد متوسل شده است. پزشک از شنیدن این خبر و چنین کرامتی، به شاهزاده محمد ارادت پیدا می‌کند و با اهدای یک فرش دوازده متری شخصاً برای زیارت مرقد آن حضرت به نهند می‌آید.

۵- تهیه‌ی ضریح جدید برای شاهزاده محمد قصه‌ای شنیدنی دارد:

این جانب در سال ۱۳۷۰ با در اختیار داشتن تنها پنجاه هزار تومان به اصفهان سفر کردم تا مقدمات تهیه‌ی ضریح را فراهم کنم. پیش از آن، خیلی تلاش کردم تا مبلغ کافی جمع‌آوری کنم اما نتوانستم. اداره‌ی اوقاف هم قادر نبود برای این کار اعتباری تخصیص دهد. در اصفهان به استادکار حاج مصطفی روزگاریان مراجعه کردم و در حضور چهار نفر قرار دادی به همین منظور تنظیم شد. استادکار برای شروع کار مبلغ

یک میلیون تومان مطالبه کرد و هنگامی که گفتم فعلاً با پنجاه هزار تومان شروع کند، نپذیرفت. نهایتاً گفتم این مبلغ را به صورت بیعانه بپذیرد و قرار داد به قوت خود باشد تا در اولین فرصت مبلغ کافی حواله دهم.

در بازگشت به نهاوند، با این که فعالیت خود را برای جمع آوری کمک‌ها از طریق پخش اطلاعیه‌های متعدد در شهر و روستاها بیش‌تر کردم ولی متأسفانه کم‌تر نتیجه گرفتم. تا آن‌جا که حاضر شدم خانه‌ام را بفروشم. اما کسی خریدار نقدی نبود و آن را به اقساط می‌خواستند. حتی به بعضی از شخصت‌های همشهری در تهران مراجعه کردم و کمک خواستم که آن‌هم بی نتیجه بود. از عجز و درماندگی به خود امام زاده متوسل شدم. تا این که یک روز دیدم در میدان قیصریه محلی را حفاری می‌کنند. پرسیدم برای چیست؟ گفتند در بررسی‌های که از سوی مرکز به عمل آمده ثابت شده که آب قیصریه آلوده است و باید ارتباطش را با تمام خانه‌ها و حیاط‌ها قطع کنیم. با این تصمیم مسئولین، سرداب امام زاده هم که آب شرب مردم محلی را تأمین می‌کرد فاقد آب جاری شد و عملاً بخشی از محوطه‌ی حرم نقش خود را از دست داد. یک باره به نظرم رسید که با هماهنگی مسئولین و هیئت امنای این بخش را به یک مقبره‌ی کوچک تبدیل کنیم و با فروش محل قبر، مشکل تهیه‌ی ضریح نیز حل شود. این پیش‌نهاد پذیرفته شد و با فروش محل هفت قبر به داوطلبان - هر باب دویست هزار تومان - مبلغ مورد نیاز تأمین شد و از آن پس ارتباط با استاد کار و پی‌گیری ساختن ضریح سرعت گرفت و دو سال بعد (۱۳۷۲) طی استقبال و مراسم باشکوهی ضریح جدید به نهاوند وارد شد و در نیمه‌ی شعبان در جایگاه نصب گردید.

۶- پایان بخش گزارش آقای غلامی ذاکری ایباتی است که در شأن و منقبت امام زاده سروده است. در این جا چند بیت آن به شرح زیر - با اصلاحاتی - از نظرتان می‌گذرد:

برادران شهنشاہ دین «رضا» این جاست
 یکی «محمد» و دیگر «علی» دلا، این جاست
 کہ استجابت هر خواهش و دعا این جاست
 کہ وارثان شهیدان کربلا این جاست
 کہ بوسه گاه هزاران شه و گدا، این جاست
 کسی کہ حاجت مهمان کند روا، این جاست
 کہ بهر درد و غم این و آن، دوا این جاست
 چنین مدیحه اگر یابد ارتقا، این جاست

بیا کہ گوهر رخشنده ی ولا این جاست
 زبان زد همگان اند این دو نور خدا
 طلب کن آن چه کہ خواهی در این مقام شریف
 بخوان «زیارت وارث» ببین به دیده ی دل
 ز دیده اشک بریز و ببوس این درگاه
 بیا تو زائر عاشق، به میزبان رو کن
 دهید مزده به درماندگان وادی غم
 سروده «ذاکری» مدح و ثنای این خوبان



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

یادی از مرحوم بحیرایی مهندس فنی بقعه‌ی مبارکه

(۱۳۸۱ - ۱۳۳۱)

(۵)

اشاره :



مرحوم مهندس غلامعلی بحیرایی (متولد ۱۳۳۱ نهاوند)
مدیر کل دفتر فنی مهندسی اداره‌ی اوقاف و امور خیریه‌ی
تهران، در طراحی و بازسازی مساجد و بقاع متبرکه‌ی
کشور، از جمله «امام‌زاده ابراهیم» واقع در روستای
دره ابراهیم نهاوند و «شاهزاده محمد» در نهاوند، تلاش و اهتمام

فراوانی داشته‌اند. قبلاً در فرهنگان شماره‌ی ۱۹ (صفحه‌ی ۱۵۴، آشنایی با روستای دره
ابراهیم) از زحمات ایشان تشکر شده است و اینک همراه با درج مقاله‌ی «شاهزاده
محمد»، ضمن عرض تسلیت مجدد به خانواده‌ی ایشان و به سایر بستگان و همشهریان،
زندگی‌نامه‌ی مختصر آن مرحوم را به نشانه‌ی سپاس و قدردانی مجدد و به منظور
آشنایی بیشتر همشهریان با این شخصیت ارزشمند به اطلاع خوانندگان می‌رسانیم.
رحمت خداوند بر او باد.

مهندس غلامعلی بحیرایی در سال ۱۳۳۱ در شهرستان نهاوند متولد شد و مقطع دیپلم
را در این شهر به پایان رساند. سپس مدت دو سال در سازمان تأمین اجتماعی تهران
مشغول به کار شد و در سال ۱۳۵۴ برای ادامه‌ی تحصیل به کشور آمریکا رفت و در
آن‌جا در رشته‌ی معماری در دانشگاه تحصیل کرد.

وی به سبب شرکت در راهپیمایی‌های دانشجویی علیه رژیم سابق در آمریکا، همراه با تعداد دیگری از دانشجویان اخراجی به ایران بازگشت و هم‌زمان با ورودش به ایران (۱۳۵۹)، با انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها مواجه شد.

مهندس بحیرایی در سال ۱۳۶۰ ازدواج نمود و حاصل این ازدواج دو فرزند (دختر و پسر) بوده‌است. وی تا سال ۱۳۶۲ در بنیاد شهید شهرستان زادگاهش مشغول به کار بود، تا این که از طرف دانشگاه شهید بهشتی تهران دعوت شد تحصیلات خود را ادامه دهد. زیرا - همان‌طور که اشاره شد - در شرایط دانشجویی به ایران برگردانده شد و این در حالی بود که در آمریکا فقط یک ترم از دوره‌ی مهندسی‌اش باقی مانده بود. هرچند دانشگاه شهید بهشتی تنها بخشی از واحدهای گذرانده را پذیرفت.

آقای بحیرایی هم‌زمان با ادامه‌ی تحصیل، در اداره‌ی اوقاف و امور خیریه‌ی تهران نیز فعالیت می‌نمود. وی پس از پایان تحصیلات، فعالیت‌های جدیدی را در سازمان صنایع دفاع، شرکت هپکو و پتروشیمی اراک آغاز کرد.

مهندس بحیرایی مجدداً در سال ۱۳۷۰ در قسمت مهندسی اداره‌ی اوقاف مشغول به کار شد. تا این که در سال ۱۳۷۸ پست مدیر کلّی دفتر فنی مهندسی به ایشان محول گردید. علاوه بر این در بازسازی بقاع متبرکه در اکثر شهرها و روستاهای ایران و مساجد بین راهی همکاری داشت و با عشق و ایمان به کار از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کرد. فعالیت جدّی و پی‌گیر مهندس بحیرایی در طراحی و احداث و بازسازی امام زاده ابراهیم و شاهزاده محمد نهاوند نمونه‌ای از خدمات ارزشمند او بود.

وی سرانجام در بهار ۱۳۸۱ (روز تاسوعا) با ذکر نام ابوالفضل دارفانی را وداع گفت. روحش شاد و یادش گرامی باد.